



فرهنگی. اجتماعی. سیاسی. اقتصادی

www.shahrvand-newspaper.ir

صاحبانیتار: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: اسماعیل رضانی

دفتر مرکزی: تهران، فلکه دوم صادقیه- ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح - کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
کد پستی: ۴۴۹۵۶۱۰۷ - فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۰۲۱-۴۴۹۵۶۱۰۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - تلفن: ۶۶۸۱۸۱۶۸
شبکه توزیع فروش: شرکت نشر گستر امروز

تلفن: ۵۴۰۸۱۰۰۰

تلفن سازمان آگهی ها: ۰۲-۴۴۹۵۶۲۰۰۰
فکس: ۰۲-۴۴۹۵۶۱۰۷ | سامانه پیامکی: ۰۲۶۲۶۶۲۰۵۰۰

مبتاق نامه اخلاق حرفه ای روزنامه شهر و ندر ادر سات بخوانید
http://shahrvand-newspaper.ir/Misagh_Name

instagram.com/Shahrvand-Newspaper

یادداشت

ما هنوز زنده ایم

لیلا مهرداد

روزنامه نگار



گوشه صندلی خودش را جمع کرده. روسری اش را روی چشمانش کشیده. دستانش از کار زیاد گلايه دارند. منتظر اتوبوس است و هر از گاهی زیر چشمی نگاهي به صفحه ساعتی که به میج دستش بسته، می اندازد. «از صبح تا شب خانه مردم جان می کنم، اما دستم خالی است.» جوانی اش را گناشته پای پسرش، ۳۱ سال بیشتر ندارد و به هزار بدبختی از همسرش جدا شده و ۷ سال می شود که سرپرست پسر ۱۰ ساله اش است. «چاره ای جز جانشندن برابم نمانده بود. نمی خواستم چند سال دیگر به خاطر پسر مسیبر خانه تا زندان را بروم و بیایم.» ۱۳ سال بیشتر نداشت که با تصمیم خانواده سر سفره عقد نشست و دكش خورند و دشمنان شنیدن بخشی از زندگی اش شد و آن قدر عرصه برایش تنگ شد که چاره ای جز جدایی برایش نماند. «بدبختی زانی مثل من یکی، دوتا نیست، مادر کنار این که باید به فکر معاش خانواده باشیم، مسئولیت مادرانه مان را هم داریم و اشتغال مان هم که در دسرهای خودش را دارد و از همه بدتر فشاری است که از نگاه مردم یاد تحمل کنیم. نگاهی که بیشتر اوقات ما را به چشم گناهکار می نگرد و حتی در بیشتر مواقع ما را از حقوق طبیعی مان محروم می کند. بیشتر ما نژاد را ترجیح می دهیم، تا در سایه آن از گردن قضاوت ها بیاساییم.» این داستان مشترک بسیاری از زنان است که آمارها اعداد و ارقامی از آنها را می دهند و هنوز عدد دقیقی یافت نشده تا روایتگر این مسأله باشد که چه تعداد از زنان تجربه ای مشابه را از سر گذرانده اند یا در حال گذر از آن هستند.

چشمان نگران و نگاه افسرده، صدای بغض آلود و چهره خسته و... ویژگی بسیاری از آنان است. زانی که به علت آسیب های اجتماعی مانند اعتیاد، بزه، جنگ، مهاجرت برای جستجوی کار، تعدد زوجات، تصادفات، طلاق، مرد از کار افتاده یا ناسازگار و... مجبور شده اند مسئولیت خانوادگی را به دوش بکشند و در کنار آسیب های گوناگون محیط خانواده و خانه باید تاب فشارهای اجتماعی را هم بیاورند. واقعیت امر این است که در جوامع در حال توسعه، زنان اعتبار اجتماعی و امنیت شان را مدیون مردان خانواده هستند؛ مردانی در نقش پدر، برادر و همسر، بنابراین زن سرپرست از دانش پشتیبان مستقیم محروم است و در کنار مشکلات اقتصادی با همه جای آن فشارهای اجتماعی روبه رو است؛ از تقاضای ازدواج های نامطلوب و بدون شرایط مناسب تا بیاض کامجویی های جنسی.

رشد بی سابقه زنان سرپرست خانوار یکی از مهمترین تغییرات جمعیت شناختی سسال های اخیر جامعه ایران بوده، رشدی که از سهیم ۱۲.۵ درصدی این زنان خبر می دهد و این واقعیت را گوشزد می کند که اگر حمایت قانونی موثری از این قشر نشود، بی شک جامعه با مسائل و مشکلاتی روبه رو خواهد بود که برای رفع آنها هزینه گزافی در آینده باید پرداخت. حوزه زنان همیشه قابل بحث بوده و در دهه های اخیر بیش از گذشته به آن پرداخته شده، در حالی که هنوز گروه های کوری به خود می بینند، راه دور و درازی پیش رو است، تا از آنها کاسته شود. به عنوان مثال با وجود تمام صحبت هایی که در مورد حوزه زنان می شد، انتظار این بود که بودجه این حوزه در سال ۹۸ افزایش را تجربه کند، تا شاید در سایه آن کارهای بیشتری برای رفع مشکلات زنان صورت گیرد، اما متأسفانه با همه اهمیتی که در باب آن داد سخن داده شد، بودجه کاهش ۷ میلیاردی را تجربه کرد، تا اجرایی شدن سایر شاخص های این حوزه از جمله عدالت جنسیتی را با شک و تردید مواجه کند.

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.



اسحاق جهانگیری: مردم نسبت به سر نوشت دریاچه ارومیه حساسیت ویژه ای دارند

انتشار ویدیوهای جشن روز معلم از مدارس مختلف، مخالفان عصبی و کارشناسان نگران

آتشی که بچه مدرسه های ما به پا کردند



چند روز پیش ویدیویی از جشن روز معلم یک مدرسه ابتدایی منتشر شد که در آن دانش آموزان با آهنگ یک ترانه آنور آبی همخوانی و شادی می کردند. کمی بعد از انتشار این کلیپ انگار که رقابتی بین دانش آموزان مدارس مختلف شکل گرفته باشد و یا ناگهان جرأت ابراز وجود در آنها بیدار شده باشد، ویدیوهای زیادی با همان مضمون و حتی با ترانه و آهنگ مشابه، روانه شبکه های اجتماعی شد، اتفاقی که کم کم موجی از واکنش های منفی از سوی مسئولان و نهادهای مختلف را به دنبال داشت. عده ای از اتفاق را ناشی از ترویج تفکر ۲۰۳۰ و کلید خوردن پروژه نفوذ در مدارس اعلام کردند و خواهان دخالت پلیس فتا شدند. معتدل ترها هم با انتقاد از متن آهنگ و راه پیدا کردن رقص و پایکوبی به مدارس اعلام کردند که ماجرا باید پیگیری شود. علی مطهری، نماینده مردم تهران در مجلس که قبلا بارها حساسیتش را به این قبیل ماجراها نشان داده است، خبر از پیگیری موضوع از سوی چند نفر از نماینده ها داد و گفت که نه تنها وزیر آموزش و پرورش باید در این مورد پاسخگو باشد، بلکه مدیران مدرسی که این اتفاق در آنها افتاده، باید برکنار شوند. عباس کمبجی، عضو خبرگان رهبری هم شادی دانش آموزان را «رقاصی در مدارس» و یک برنامه از پیش طراحی شده توصیف کرد و از «ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر» خواست که به این موضوع ورود کند و علیه مدارس یادسنگه هایی که کوتاهی داشته اند، اعلام جرم و به دادستانی شکایت کند. از آن طرف خیلی از کاربران فضای مجازی بر خورد شدید با این پدیده را وقتی منطقی دانستند که از راه های دیگر مسیر بروز شادی و هیجان در مدارس باز شود. علی زرافشان که تا همین چند وقت پیش به مدت ۶ سال معاون امور متوسطه وزیر آموزش و پرورش بوده و همواره خودش را معلم می داند، در گفت و گو با «شهروند» در جواب این که در چنین موردی دقیقا چه باید کرد، گفت: «قبل از آن که وضع شادی را در مدارس بررسی کنیم، باید بینیم این وضع در جامعه چگونه است؛ وقتی ما جامعه شادی نداریم، چطور می توان انتظار داشت مدارس بانشاطی داشته باشیم. این طور مواقع یاد حرف های آقای قرآنی می افتم که بارها در برنامه های صداوسیما و جلسات مختلف گفته اند که ما در گریه کردن پروفیسوریم و در شادی، دانش آموز اکبر. او بارها گفته که باید لوازم شادی را برای جامعه فراهم کنیم، به ویژه در مدرسه که دوران شادی طلبی دانش آموزان است و آنها نیازمند ایجاد محیط شادی در این بازه سنی اند. در همه این سال ها همه این درخواست های آقای قرآنی به پاسخی منجر نشده، حتی ما هنوز نمی دانیم که شادی های مجاز چه مواردی اند؛ حتی ما می بینیم در مداحی هایی که در تلویزیون ایران نشان داده می شود، نوع مراسم، شبیه مراسم عزاداری است، فقط به جای سینه زدن، دست می زنند.»

ادامه می دهد: «خلا بگویی در این باره وجود دارد و آن این است که شادی و انواع قابل قبول آن تعریف نشده، باید ماجرا از این سردرگمی بیرون بیاید. ما باید بدانیم که شادی های قابل قبول چیست و شرایط برگزاری مراسم شاد در مجموعه هایی مانند مدارس چه می تواند باشد. مسلم است که وقتی ما برای این موارد کاری نکنیم، موضوع به صورت کنترل نشده در می آید و بعضی شادی هایی اتفاق می افتد که مورد قبول جامعه نیست. بهر حال فکر نمی کنم کسی در باره مناسب نبودن محتوای آهنگی که در مدارس پخش شد، آن هم برای دانش آموزان کم سن و سال شک داشته باشد، اما باید پرسید که برای جلوگیری از ورود چنین محتوایی، چه محتوای جایگزینی ارائه کرده ایم؟»

زرافشان در مورد موضع وزیر آموزش و پرورش هم می گوید: «در باره سخنان آقای وزیر باید گفت که منظور ایشان در خواست از پلیس فتا برای جلوگیری از پخش فیلم شادی بچه ها در شبکه های اجتماعی است، نه صرف بر خورد پلیسی با شادی دانش آموزان در مدارس.»

او در مورد درخواست بر خورد با مدیران هم گفت: «این که ما یک یا دو مدیر را برکنار کنیم، پاک کردن صورت مسأله است و موضوع را حل نمی کند، باید برای مدیران شفاف کرد که مثلا وقتی جشن ملی، مذهبی یا شخصی پیش می آید، باید چه کنند و چه برنامه هایی می توان داشت؟ تا وقتی اینها روشن نشود، شاهد تکرار این اتفاق حتی در ابعاد بزرگتر خواهیم بود. الان خیلی از موسیقی های شاد سازنده وجود دارد که مخصوص گروه سنی بچه ها هم هست، اینها باید گسترش پیدا کنند.»

زرافشان ادامه می دهد: «همین طور که ما در حوزه سینما نسبت به سینمای کودک و نوجوان غفلت بزرگی کرده ایم، در حوزه هنر هم کمتر به حوزه کودک و نوجوان توجه شده است. ما تا اینجا کار محتوای لازم را تولید نکرده و دست مدیر و مربی تربیتی را خالی گذاشته ایم.»

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به اقدامات خوب انجام شده برای احیای دریاچه ارومیه گفت: «بهبود وضع این دریاچه کار مهم و تعیین کننده ای بود و مردم سراسر کشور و به خصوص مردم شمال غرب کشور همواره نسبت به سر نوشت این دریاچه حساسیت ویژه ای داشته و دارند.» معاون اول رئیس جمهوری از دبیر خانه ستاد احیای دریاچه ارومیه و سازمان برنامه و بودجه خواست راهکارهایی برای تامین منابع مالی مورد نیاز جهت استمرار طرح های نجات دریاچه ارومیه تدوین کنند و تدابیری بیندیشند تا برنامه های نجات این دریاچه در سال ۹۸ نیز تداوم داشته باشد.

زمان آن رسیده که از اجرای مفاد برجام شانه خالی کنیم

علاءالدین بروجردی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: «به این دلیل که آمریکایی ها نقض عهد کرده اند و اروپایی ها نتوانستند به تعهدات خود به طور کامل عمل کنند، به نظر من زمان برای این که ما هم دوسویه عمل کنیم و متقابلا از اجرای تعدادی از مفاد برجام شانه خالی کنیم، فرارسیده، گرچه مسئولیت این کار با شورای عالی امنیت ملی است. با توجه به این که آمریکا با این اقدامات مشابه متعددی از معاهدات دوجانبه و چندجانبه خارج شده، بسیاری از نفعات آن در دوران ترامپ عملا نقض همه تعهدات بین المللی است و به هیچ وجه قابل اعتماد نیست.»

افطاری دادن با استفاده از اموال بیت المال ممنوع

سیدمحمد جواد ابطی، عضو کمیسیون فراسیون نمایندگان ولایتی گفت: «طرحی دوفوریتی با عنوان «ممنوعیت دادن افطاری و هدایا با استفاده از اموال غیر شخصی و همچنین دولتی در دستگاه های مختلف» در مجلس تهیه شده است.» وی افزود: «تاکنون ۴۰ نماینده این طرح را به امضا رسانده اند. طبق این طرح هر گونه افطاری دادن یا هدایا به پایا می مختلف امر از تقدیری و غیر تقدیری با استفاده از اموال بیت المال، دولتی و غیر شخصی برای کلیه دستگاه ها ممنوع خواهد بود.»

اعزام ناو هواپیمابر اقدامی نمادین است

محمد جواد حجابی بونندگانی، عضو کمیسیون سیاست خارجی مجلس گفت: «هزینه اعزام ناو هواپیمابر آمریکایی به خور میانه برعهده بن سلمان خواهد بود، زیرا ترامپ فردی نیست که بخواد از جیش هزینه کند. این مسأله صرفا اقدامی نمادین از سوی کاخ سفید است. آمریکایی ها هم تاکنون درصدد اجرای سیاست فشار همه جانبه هستند. در واقع دولت مردان کاخ سفید می خواهند با بهره گیری از ابزار نظامی و طرح مسأله رمی بودن تمام گزینه هایه مسئولان کشورمان فشار وارد کنند. شاید بتوانند زمینه مذاکرات را فراهم کنند، اما هیچگاه این مهم رخ نخواهد داد. در این بین باید یادآور شد آمریکایی ها با این اقدام می خواهند به هم پیمانان افراطی خود در منطقه مانند بن سلمان و همچنین بن زاید رو حیه دهند.»

شایسته است / بایسته است

۱- وقتی متن بی برش و کم اهمیتی چون: «تعطیلی یا تعلیق هر یک از برنامه های صداوسیما از اختیارات سیاستی و اجرایی مدیران ارشد سازمان است. شایسته است در مورد برنامه های پر مخاطب رعایت اصول و ضوابط اطلاع رسانی مناسب و فرآیند اذعان افکار عمومی صورت گیرد.» منتشر می شود، دیگر چه نیازی به تیرتا و موضع گیری های پر ملطراق بود که «تکلیف نود در شورای نظارت بر صداوسیما مشخص می شود». اصلا مگر این شورا قدرت «مشخص کردن» تکلیف را داشت؟ این همه یادداشت و سیاه کردن کاغذ و امضا و مصاحبه و نامه و نظر سنجی و... برای چه بود؟ برای این که چهار تا توصیه پذیر بزرگانه صورت گیرد و تمام؟ توصیه به استفاده از «استعدادهای نو و جوان» که دیگر نیاز به این همه حرف و حدیث و جلسه نداشت. این توصیه ها را از دور هم می شد پیامک کرد!

۲- جلسه دیروز هیأت نظارت بر صداوسیما نشان داد که وقتی نظارت ابزار اجرایی لازم رانداشته باشد؛ وقتی بازو و توانی برای اجرای نظارت نداشته باشد، می شود همین توصیه ها: «شایسته است» و «بایسته است» ها، نظارتی که هیچ پیش بینی ای برای اعمال نظر آتش نشده باشد، به بوجی می رسد. قبول ندارید؟ خوب، از دستاوردهای این هیأت به اندازه انگشت های یک دست مثال بیاورید! کدام توصیه عمل شده وقتی خطا هم با چوب شایسته است، رانده می شود؟ کدام دستور به مرحله اجراء رسیده وقتی پاسخ خواسته مردم، فقط چند توصیه قابل حدس است؟ حتی مسئولان تلویزیون هم می توانستند در این جلسه شرکت نکنند، چون توصیه ها را خودشان می دانستند و فشاری هم که به شان وارد نشده. چه وقت تلف کردنی بود؟

۳- حالا که بحث به اثر گذاری و میزان اهمیت رسید، بد نیست از اعضای محترم این شورا بپرسیم که بودجه این نهاد صرف چه اموری می شود و به چه نتیجه ای ختم می شود. بد نیست بدانید براساس لایحه بودجه سال ۹۸ کشور، بودجه شورای نظارت بر سازمان صداوسیما دو میلیارد و ۹۲۰ میلیون تومان است که مصارف پیش بینی شده افزایش سقف بودجه تا حدود یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان دارد. این چهار میلیارد در طول سال برای چند توصیه و چند پیشنهاد و تذکر ز یاد نیست؟

کمی سگر مه های تان را باز کنید آقای مطهری عزیز!

بارها از دوستانم در سازمان صداوسیما خواهش کرده ام که تولیدات خود را با پیام های شادمان کننده به جامعه عرضه کنید. در به وجود آمدن این جامعه من و شما هم بی تقصیر نبوده ایم دکتر مطهری عزیز. آن وقت با برکنار کردن مدیر و استیضاح وزیر می خواهیم درستش کنیم؟ فکر کرده ایم که برای آن بچه ها چه رایه کرده ایم که از آنها انتظار داریم. شاید دیده باشید، چند وقت پیش تصاویری هم منتشر شد که همه بچه ها داشتند سیروان خسروی می خواندند و جنب و جوشی داشتند؛ اما بیشتر از آن حزن آنها را با ترانه های مرثی پاشایی دیده ایم.

آقای مطهری عزیز! این که دانش آموزان ما چنین ترانه حیرت انگیز و غیر قابل قبولی را از چنین خواننده ای در فضای آموزشی بخوانند و پایکوبی کنند، مطلقا مثبت و شایسته نیست. شاید تنبیه هم لازم داشته باشند اما بپذیرید تقصیر ماست که برای این نسل محصول شاد و سالم تولید نکرده ایم که دل شان را به دست نیاوردیم. تقصیر ماست که به دل شان راهی پیدا نکرده ایم. اگر سیروان می پسندند، می شد بخشی از این بودجه های فرهنگی را به تکثیر امثال سیروان اختصاص داد. اگر نیاز به شادی و تحرک دارند، می شد برایش برنامه ریزی بهتری کرد و به آنها خوراکی دلپذیرتری ارائه کرد. اگر نه، این که ما فکر کنیم هر چه ما بدهیم آنها باید بپسندند و استفاده کنند، نتیجه اش همین می شود که دکتر نمکی وزیر بهداشت می گویند. خلاصه که ما خیلی ارادت داریم جناب مطهری عزیز. اما شما و دیگر دوستان مسئول هم کمی به این بچه ها حق بدهید. کمی بیشتر به فکر شان باشید. کمی هم سگر مه های تان را باز کنید.

ادامه از صفحه اول | این که زمانه عوض شده است و بچه ها این روزها وقت شان را چطور می گذرانند و به چه چیزهایی توجه نشان می دهند و کجا می روند و چه می گویند برای این اساتید محلی از اعراب ندارد. پس وقتی چنین تصاویری منتشر می شود که بچه مدرسه ای ها را بیرون از کلیشه های محبوب شان نشان می دهد، همین که تصاویر را پاک کنیم و با وزیر و مدیر و فیلمبردار و منتشر کننده اش برخورد نکنیم، همه چیز حل است و خودمان می مانیم و کلیشه های مان.

آقای مطهری عزیز! شما لابد باید بدانید و به جای نهب زدن یا حداقل در کنار نهب زدن خوب است کمی هم از واقعیت بگویند. این که بچه های ما، بخشی از آنها حداقل، به مسیری رفته اند که مسا نمی خواهیم که نمی شناسیم؛ اما برای این که بفهمیم با آنها چه باید کرد، اول باید بفهمیم چه می گویند و چه می خواهند. وزیر آموزش و پرورش در مدت زمان کوتاه حضورش تلاش زیادی کرده تا نشاط را به محیط آموزش برگرداند که فضای خشد و سنتی مدارس را بشکند؛ با کم کردن مشق شب و تکلیف عید با اصرار برای تطبیف فضاهای آموزشی، سعی کرده مطابق با نیازهای زمانه حرکت کند. درست رفته یا نه، نیتش خیر بوده.

شاید صحبت های وزیر بهداشت و درمان را در دو سه روز اخیر دیده باشید که چطور از افسردگی جامعه نالیده بود. این جمله ها را بخوانید: «روان های افسرده برای انحراف، اعتیاد و آسیب های اجتماعی آمادگی دارند؛ چرا آمار مسومیت با الکل دست ساز در کشور رو به افزایش است؟ چرا این واقعیت را نمی پذیریم که روح های افسرده به سوی مواد مخدر گرایش دارند؟ چرا روان پریشی ها را جدی نمی گیریم و برنامه ها را شاد نمی کنیم؟

یادداشت

یادداشت